

سلوک مومنانه به معنای تجربه‌های اخلاقی است

ناصر مهدوی معتقد است سلوک مومنانه یعنی تجربه‌های اخلاقی، و تجربه‌های اخلاقی هم مفهومی غیر از قانون هستند.



ناصر مهدوی معتقد است سلوک مومنانه یعنی تجربه‌های اخلاقی، و تجربه‌های اخلاقی هم مفهومی غیر از قانون هستند. به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن(ایکنا)، سومین نشست «عمل زیست مومنانه در سایه قرآن و مثنوی» با تدریس ناصر مهدوی امروز 20 دیماه در خانه اندیشمندان برگزار شد.

ناصر مهدوی ابتدا گزارشی کوتاه از دو نشست گذشته ارائه داد و گفت: وقتی کسی با تمام وجود و هستی به خداوند تکیه کند این ایمان در زندگی او تاثیر شگرفی می‌گذارد و نوع دیگری از زندگی را پیش روی فرد می‌گشاید. سه ضلع امید، توکل و اعتماد از مولفه‌های ایمان هستند وقتی کسی به خدا ایمان می‌آورد امیدوار است راه‌های ناهموار پیش روی وی هموار می‌شوند. وی در ادامه افزود: ایمان به خدا ترس و هراس را از آدمی دور می‌کند چرا که با تمام وجود به خداوند اعتماد دارد البته ایمان برای افراد مختلف شدت و ضعف دارد پس مسیر ایمان از قطره آغاز می‌شود و در گذر زمان عمیق می‌شود. کسی که ایمان دارد از تنهایی نمی‌ترسد و از تنهایی رنج نمی‌برد چرا که به یک تکیه گاه عمیق متصل است و از آن منبع توانایی می‌گیرد. در نهج البلاغه امام علی(ع) می‌فرمایند «خدایا وقتی تنهایی به صورت وحشتناک مرا در برمی‌گیرد به تو پناه می‌برم و دیگر ترسی نخواهم داشت».

مهدوی در ادامه گفت: وقتی ایمان داشته باشیم که خداوند از ما حمایت می‌کند اعتماد به نفس ما نیز بالا می‌رود و دیگر آدمی به راحتی به هر چیز تن نمی‌سپارد. زمانی آدمی به درد تنهایی دچار می‌شود که خدا را در وجود خود نداشته باشد. وی در ادامه در خصوص تاثیر دیگر ایمان گفت: ایمان سطح نگاه آدمی و وسعت دید او را افزایش می‌دهد زمانی که وسعت دید آدمی فراخ شود چشم در چشم خدا باز می‌کند و بانگی وجود آدم را فرار می‌گیرد و این اعتماد پنجره آفرینش را به روی آدمی باز می‌کند و جهان خرم‌تر و نورانی‌تر از گذشته می‌شود.

مهدوی در ادامه نشست گفت: ایمان یک طرفه نیست وقتی در را می‌کوبید رابطه دو طرفه می‌شود و در آن سو بانگی به گوش می‌رسد که در کنار تو ایستاده‌ام اتفاق یک تاثیر اخلاقی در وجود آدمی می‌گذارد. مهمترین اتفاق این است که سطح دید و جهان انسان را روشن می‌کند و دیگر جهان فقط سود و زیان و مسائل مادی و ظاهری نیست صداهای خوش‌تری در وجود آدم شنیده می‌شود که پرده‌ها را از کنار می‌زند و یک کشف درونی آدمی را فرا می‌گیرد و دیگر جاذبه‌های مانند منصب و قدرت مانند گذشته برای او جذاب نیست.

مهدوی افزود: وقتی نگاه انسان روشن‌تر شود و تجربه‌های عرفانی در برابر او گشوده شود نگاه، سطح و میل آدمی بالا می‌رود. وقتی آدمی در سطح پائین باقی بماند و همه زندگی ظاهر باشد و لذت‌ها محدود به لذت‌های سطحی شوند نمی‌توان به این فرد گفت که اهل هنر و فلسفه و تجربه‌های عارفانه باشد چرا که دید آن ناتوان است و نمی‌تواند نوع نگاهش را بالا ببرد آدمی که قلبش سنگ باشد و سطح دید او پائین باشد و امور زوال پذیر را تنها ببیند اخلاقی شدن برای او دشوار است؛ چرا که در این تاریک‌ها فقط سرکه می‌فروشند.

اخلاق غیر از قانون است

این استاد دانشگاه افزود: چرا در جامعه اینقدر جنگ، کینه، عدم وفای به عهد زیاد شده است چرا اینقدر خشونت و آدم کشی وجود دارد؟ دلیل این همه بی اخلاقی‌ها چیست؟ چرا اخلاق رشد نکرد؟ باید دقت کنید که قانون و مدنیت غیر از اخلاق است متأسفانه دید ما عادت کرده است که زمین را ببیند و همه چیز را در سود و زیان خلاصه کند. به همین دلیل علما، عرفا و اهل اندیشه همیشه غریب و تنها هستند چرا که کمتر افرادی آنها را درک می‌کند (البته منظور من از علما افرادی که تجربه‌های عمیق عرفانی را درک کرده‌اند).

وی در ادامه افزود: چرا انسان لاغر و ضعیف می‌شود و این همه بی وفایی ناشی از چیست؟ در این زندان و مرداب تنها اسم‌ها تغییر کرده‌اند من با همه احترامی که برای دستاوردهای عقلی امروز قائل هستم باید بگویم که دستاوردهای امروزی سطح نگاه و تجربه آدمی را وسیع نکرده‌اند و تنها در سود و زیان‌های فردی خلاصه کرده‌اند.

مهدوی در ادامه در تعریف سلوک مومنان گفت: سلوک مومنانه یعنی تجربه‌های اخلاقی، تجربه‌های اخلاقی غیر از قانون هستند متأسفانه در قرن 20 بیش از 100 میلیون انسان کشته شدند در عصری که قانون سخن نخست را می‌گوید این همه بی‌اخلاقی ناشی از چیست پس می‌توان نتیجه گرفت که قانون اخلاق نیست.

وی در ادامه با طرح چند پرسش گفت: چرا خشونت دست از سر ما بر نمی‌دارد؟ چرا طبیعت تا این میزان به آدمی سخت می‌گیرد؟ چرا در شرق با وجود این همه ادیان بازهم درجه‌ل، بی‌سوادی و جنگ بسر می‌برد؟ شاید بتوان دلیل همه این خشونت‌ها را در نبود تجربه ایمانی و پائین بودن سطح نگاه افراد خلاصه کنیم.

مهدوی راد افزود: وقتی آدمی با خداوند تجربه ایمانی دارد یک زبان تازه پیش روی او گشوده می‌شود و سر به بالا جهان را تماشا می‌کند حسادت ورزیدن، تکبر و دل پر چرکین داشتن همه به دلیل دور بودن تجربه‌های آسمانی است. گاهی غم در

بعضی از افراد ناشی از بحران‌های سیاسی و اقتصادی نیست بلکه ناشی از بحران‌های درونی فردی است که هنوز خانه دل، روح و حقیقت ناب را به روی خود نگشوده است.

وی در ادامه گفت: وقتی نگاه آدمی پائین باشد زندگی را اخلاقی نمی‌بیند در داستان چهارم مثنوی وقتی آن مردم به بازار عطاری فروشان رفت از خود بی‌خود شد مردم نمی‌دانستند چه اتفاقی برای او افتاده است اما برادر او متوجه شد او به چنین هوای تازه‌ای عادت نداشت.

مهدوی راد در آخر در جمع بندی بحث خود گفت: چرا با وجود شرع، علم و عقل ما هنوز گرفتار بی‌اخلاقی هستیم؛ به نظر من دلیل این بی‌اخلاقی‌ها این است که ما سودای سربلایی و تجربه ایمان نداریم. متأسفانه از گذشته به ما می‌گفتند نماز بخوانید و قرآن تلاوت کنید ولی بزرگترهای ما بغل گوش ما دروغ می‌گفتند و غیبت هم می‌کردند چرا که فلسفه نماز خواندن که همان ایمان قلبی یافتن به خداوند است را درک نکرده بودند.